حسن بهزادی[1]، دکتر محمدرضا داورپناه[2]

تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۲۱
تاریخ پذیرش: ۸۸/۴/۲۸

بررسی عوامل مؤثر بر تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد[3]

چکیده

پژوهش حاضر با روش پیمایشی عامل‌های تبیین کننده تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد و عامل‌های اثرگذار بر آن را مورد بررسی قرار داده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای است که بر مبنای پرسشنامه PREQ طراحی و هنجارسازی شده است. جامعه آماری این پژوهش آن دسته از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشند که در دوره زمانی مورد مطالعه، طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال) آنها در شورای آموزشی دانشکده به تصویب رسیده است و یا از پایان نامه خود دفاع کرده‌اند. نمونه مورد بررسی بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه-ای تعیین گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که: بین تمـــام عامل‌های تبیین‌کننده تجربه پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد. رضایت کلی دانشـجویان از عامل‌های هفت‌گانه تبیین‌کننده تجربه پژوهشی، متفاوت است. متغیرهایی مانند جنسیت، مقطع تحصیلی، حوزه آموزشی، میزان فعالیت علمی و مرحله انجام پژوهش بر میزان رضایت دانشجویان از عامل‌های تبیین کننده تجربه پژوهشی اثرگذار است. یافته‌های پژوهش نشان داد که به طور

[1] کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی و مسئول بخش فراهم آوری کتابخانه دانشگاه امام رضا(ع)
hassanbehzadi@gmail.com
[2] دانشیار گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه فردوسی مشهد davarpanah@ferdowsi.um .ac.ir
[3] بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی

کلی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد از عامل‌های مختلف تبیین-کننده تجربه پژوهشی رضایت نسبی دارند.

کلید واژه‌ها: *تجربه‌پژوهشی، عوامل تبیین‌کننده تجربه‌پژوهشی، پایان‌نامه‌نویسی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دانشگاه فردوسی مشهد*

مقدمه

پژوهش، همواره از ابزارهای پیشرفت مادی و معنوی بشر بوده است. بدون تردید می‌توان پیشرفت‌های بشر در طول دوره‌های گوناگون تاریخ تا کنون را مدیون پژوهش و تحقیق دانست (فیاضی، ۱۳۸۰). در دنیای امروز دانشگاه‌ها به عنوان بستر اصلی تفکر و اندیشه پیرامون مسائلی که جامعه با آن مواجه است، شناخته شده‌اند. امروزه یکی از مهمترین مقوله‌های مورد توجه در آموزش عالی موضوع "آموزش مبتنی بر پژوهش" و برداشت‌های مختلف از چگونگی اجرای آن است. کاهش فاصله موجود بین حوزه‌های آموزش و پژوهش با ورود پژوهش به بدنه آموزش عالی و به ویژه در حوزه آموزشی امکان پذیر است (Entwistle, 2002).

هم اکنون بسیاری از کشورها در تلاش هستند تا نقش دانشگاه‌ها را در توسعه ملی و پیشبرد دانش و فناوری مورد توجه قرار دهند.همانگونه که اشاره‌گردید، پرداختن به پژوهش یکی از مهمترین وظایف دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی می‌باشد. این وظیفه در جامعه دانشگاهی بر عهده دو گروه اصلی می‌باشد: نخست استادان و سپس دانشجویان دانشگاه ها. استادان دانشگاه ها ضمن انجام کارهای پژوهشی به صورت مستقیم نقش هدایتگر و مربی دانشجویان را برعهده دارند و به نوعی وظیفه تربیت پژوهشگران آینده کشور را نیز انجام می‌دهند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل اینکه در زمان تحصیل تا حدود زیادی آموزشی مبتنی بر پژوهش را پشت سر می‌گذارند و از سوی دیگر نیاز به ارائه پایان‌نامه برای دریافت مدرک تحصیلی خود دارند، به گونه‌ای ژرف‌تر پا به عرصه پژوهش می‌گذارند و نقش گسترده‌تری در تولید علم و دانش بر عهده دارند، به نحوی که ۵۵٪ از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پزشکی از پایان نامه‌های پزشکی و کارشناسی ارشد تشکیل شده است (رفاهی و دیگران، ۱۳۷۹). بنابراین توجه به پژوهش‌های این قشر از جامعه علمی کشور می‌تواند موجب پیشرفت علمی کشور در زمینه‌های گوناگون علمی گردد. شناخت نیازها و دغدغه‌های این دانشجویان، حمایت مادی و معنوی، ایجاد بستر مناسب، تهیه ابزارها و سایر امکانات پژوهش و جز آن از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه بروز

استعدادهای دانشجویان تحصیلات تکمیلی را فراهم کند. با توجه به مطالب پیش‌گفته، با وجود این که، دانشگاه فردوسی مشهد یکی از بزرگترین دانشگاه های کشور محسوب می‌گردد، به نظر نمی رسد که تا کنون پژوهشی در این زمینه انجام شده باشد. به عبارتی مشخص نیست که چه عامل‌هایی، تجربه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی حوزه‌های مختلف آموزشی این دانشگاه را تبیین می‌نماید؟ چه عامل‌هایی بر میزان رضایت آنها از تجربه‌های پژوهشی اثرگذار است؟

شناخت تجربه پژوهشی دانشجویان این دانشگاه می‌تواند، به مسئولان دانشگاه و همچنین نظام آموزش عالی کشور کمک نماید تا ضمن شناخت عامل‌های اثرگذار در تجربه پژوهشی دانشجویان این دانشگاه، نسبت به رفع مشکل‌های احتمالی موجود در نظام پژوهشی تحصیلات تکمیلی و تقویت نقاط قوت آن بپردازند.

پیشینه پژوهش

موضوع تجربه پژوهشی در خارج از کشور پیشینه‌ای به نسبت چند ده ساله دارد و این مقوله مورد توجه و دقت نظر مسئولان آموزش عالی، روسای دانشگاه ها، پژوهشگران و جزآنها می‌باشد.

استفانی (Stephanie,1990) به بررسی تجربه پژوهشی در بین دانشجویان دکترای پرستاری پرداخت. عامل‌هایی که او در این پژوهش مورد سنجش قرار داد، عبارت بودند از: آموختن، فرایند انتخاب موضوع، کنترل(مدیریت، مالکیت، مهارت، استراتژی و اراده)، ادغام و جزآن. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرایند پایان‌نامه نویسی، تجربه‌ای تکاملی و رابطه‌ای است.

اما، کارداش(Kardash, 2000)، در پژوهش خود بررسی تجربه پژوهشی دانشجویان، دیدگاه‌های استادان و مربیان را نیز مد نظر قرار داد. جامعه این پژوهش در ۱۴ مهارت پژوهشی، مانند: مهارت‌های مرور نوشتار، طرح‌ریزی پژوهش، کارهای آماری و جز آن مورد ارزیابی قرار گرفتند. این پژوهش نشان داد که دانشجویان در مقایسه با وضعیت پیش از انجام تجربه پژوهشی خود پیشرفتی نسبی در مهارت‌های پژوهشی داشته‌اند. همچنین تفاوت معناداری بین مردان و زنان در آغاز و پایان تجربه پژوهشی وجود ندارد. در همان سال، مابروک و پیترز (Mabrouk & Peters, 2000)، از رویکردی دیگر به بررسی دیدگاه دانشجویان پیرامون تجربه پژوهشی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۹۸٪ از دانشجویان بیان داشتند که می‌توانند تجربه پژوهشی خود را به دیگران ارائه دهند. در رابطه با مسئولیت روزانه استاد راهنما نیز ۶۲٪ از دانشجویان بر این باور بودند که استاد راهنما این وظیفه را انجام می‌دهد. از سوی دیگر،

دانشجویان ارزشمندترین ویژگی‌های استاد راهنما را نیز تسلط موضوعی در ارتباط با پژوهش، علاقه‌مندی، حضور و شکیبایی استاد راهنما دانستند.

مرکل(Merkel, 2001)، سیمور و همکاران (Seymour et al., 2004)، و لوپاتو(Lopatto, 2004) و هانتر و همکاران (Hunter et al., 2006) نیز در پژوهش‌هایی جداگانه مزیت‌های تجربه پژوهشی را مورد مطاله قرار دادند و همگی به این نتیجه دست یافتند که پژوهش فواید بسیاری برای دانشجویان در بردارد و فرایند تجربه پژوهشی در کسب مهارتهای فردی و حرفه‌ای، مانند تفکر انتقادی و مسئله‌گشا، اثرگذار بوده است.

در سال ۲۰۰۶ کانتر (Kanter, 2006) در پایان‌نامه خود به وسیله مصاحبه با استادان و دانشجویان، به این نتیجه رسید که وقتی خود دانشجویان موضوع تحقیق را انتخاب نموده باشند، علاقمندی بیشتری برای نگارش از خود نشان می‌دهند. همچنین بیشتر دانشجویان در مطالعه مواد و منابع دیگران و برقرار کردن پیوند بین این مطالعات و ایده‌ها و نظریه‌های خود دچار مشکل هستند.

عبدالحافظ(Abdelhafez, 2007)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین میزان شناخت دانشجویان تحصیلات تکمیلی از آیین‌نامه به کارگیری استاد راهنما در دانشگاه اکستر[1] و چگونگی تأثیر این شناخت بر گرایش‌ها و انتظارهای آنها نسبت به استاد راهنما پرداخت؛ مطلبی که در سایر پژوهش‌ها کمتر بدان پرداخته شده بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین میزان شناخت دانشجویان از آیین‌نامه به کارگیری استاد راهنما و گرایش‌های آنها نسبت به استاد راهنمایشان وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین شناخت دانشجویان یا گرایش‌های آنها از یک سو و جنسیت و سال تحصیل آنها وجود ندارد.

بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان از تجربه پژوهشی‌شان توسط کریگ (Krieg, 2007) و در دانشگاه فناوری اکلند[2] صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۹۰٪ از دانشجویان از کیفیت برنامه های آموزشی دانشگاه رضایت دارند. همچنین ۸۳٪ از آنها از امکانات و منابع دانشگاه مانند کتابخانه، امکانات کامپیوتری، تسهیلات آزمایشگاهی و جز آن راضی هستند. پارک و دیگران (Park et al., 2007) نیز برای بررسی میزان رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی خود، با هنجارسازی پرسشنامه تجربه پژوهشی

[1] Exter
[2] Auckland

تحصیلات تکمیلی (PREQ[1]) به بررسی هفت عامل: استاد راهنما، وضعیت فکری، شفاف‌سازی هدف‌ها و استانداردها، فرایند آزمون پایان نامه، زیرساخت، توسعه مهارت‌ها و رضایت کلیِ دانشجویان ۸ موسسه آموزشی در انگلستان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در حدود ۵۰٪ از دانشجویان از استاد راهنمای خود رضایت داشته‌اند. همچنین ۷۵٪ از دانشجویان از امکانات و زیرساخت‌های موسسات خود رضایت داشتند؛که در این بین دانشجویان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نسبت به دانشجویان فنی و مهندسی رضایت کمتری از زیرساخت‌ها و امکانات فراهم شده داشتند. از دیگر یافته‌های این پژوهش نیز این بود که بین رضایت استاد راهنما و رضایت کلی از تجربه پژوهشی بیشترین رابطه وجود دارد.

در ایران کارهای بسیاری در زمینه پژوهش به معنای عام، عامل‌های اثرگذار بر پژوهش و جز آن صورت گرفته است اما در مورد تجربه پژوهشی دانشجویان به طور خاص، پژوهشی یافت نشد. در زیر به برخی از مواردی که بیشترین ارتباط با متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش را داشته‌اند، اشاره می‌شود.

نداف‌زاده شیرازی(۱۳۷۳ در: نیلی و دیگران، ۱۳۸۳) در پژوهش خود دیدگاه‌های دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شیراز را درباره مشکل‌های پژوهش و پایان‌نامه‌نویسی بررسی کرد. صادقی(۱۳۷۶) به بررسی عامل‌های اثرگذار بر ارتقای سطح کیفی پایان‌نامه‌های دانشجویان پرداخت. در پژوهشی دیگر، رفاهی و همکاران (۱۳۷۹) کیفیت پایان نامه و چگونگی اجرای آن در میان دانشجویان کارورزی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان را بررسی کردند.

زمانی و عظیمی(۱۳۸۳)، نیز مقوله مشارکت دانشجویان در تولید علم را مطالعه کردند. همچنین، نیلی و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهش خود به بررسی کیفیت راهنمایی استادان راهنمای پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان پرداختند. نگارش علمی مقوله ای بود که توسط حسرتی(۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان " نگارش دانشگاهی در دانشگاه های ایران: حلقه گمشده آموزش عالی " مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش فعلی و دیگران (۱۳۸۵) پیرامون مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم نشان داد که بین میزان مشارکت در فعالیتهای پژوهشی و متغیرهایی مانند نگرش درباره پژوهش‌های دانشجویی در کشور، تبادل علمی دانشجویان، دسترسی به تسهیلات پژوهشی، وضعیت مالی و توانایی علمی استادان، رابطه معناداری وجود دارد. از سوی دیگر دانشجویانی که استادان

[1] Postgraduate Research Experience Questionnaire

راهنمای آنها دارای مرتبه استادیاری هستند، نسبت به سایر دانشجویان دارای مشارکت بیشتری در پژوهش هستند.

مطالعه پژوهش‌های انجام شده نشان داد که عامل‌های زیادی در رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی تأثیرگذار هستند. از آن جمله استاد راهنما و رفتار او و امکانات و تجهیزات می‌باشد. از آنجایی که در ایران پژوهشی که تأثیر چندین عامل را در این رابطه در نظر گیرد انجام نشده، ضروری است این امر از طریق پژوهش مورد توجه قرار گیرد.

طرح پژوهش

هدف اصلی این پژوهش کسب آگاهی نسبت به تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه فردوسی مشهد است. هدف‌های فرعی این پژوهش عبارتند از :

– بررسی رابطه عامل‌های تبیین کننده تجربه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی
– بررسی میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی از عامل‌های تجربه‌های پژوهشی
– شناسایی مشکل‌های موجود در تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد
– بررسی تأثیر یا رابطه متغیرهای جمعیت شناختی مانند جنسیت، حوزه آموزشی، رتبه علمی استاد راهنما و میزان فعالیت‌های علمی بر میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی از عامل‌های پژوهشی
– گردآوری و فراهم کردن اطلاعاتی که به وسیله آن مسئولان دانشگاه فردوسی مشهد بتوانند در برنامه‌ریزی‌های آینده خود برای تحصیلات تکمیلی از آن بهره جویند.

این پژوهش در پی آزمون فرضیه‌های زیر می‌باشد:

فرضیه اصلی: بین عامل‌های تبیین کننده تجربه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد از عامل‌های مختلف تجربه‌های پژوهشی متفاوت است.

۲. متغیرهایی مانند جنسیت و حوزه آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر میزان رضایت دانشجویان از تجربه‌های پژوهشی اثرگذار است.

۳. مشکل‌های موجود در تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر حسب دانشکده محل تحصیل و حوزه آموزشی متفاوت است.

۴. بین میزان رضایت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه فردوسی مشهد از عامل‌های تجربه پژوهشی تفاوت معناداری وجود ندارد.

۵. رتبه علمی استاد راهنما در رضایت دانشجو از عملکرد او اثرگذار است.

۶. میزان رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی بر اساس چگونگی انتخاب موضوع پژوهش، متفاوت است.

این پژوهش که به روش پیمایشی انجام شده است، از نظر هدف، کاربردی می باشد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه PREQ است. این پرسشنامه توسط انجمن فارغ التحصیلان استرالیا[1] و انجمن تحقیقات آموزشی استرالیا[2] تهیه و تدوین شده است. البته در طراحی نسخه نهایی پرسشنامه پژوهش تنها به پرسشنامه پیش‌گفته بسنده نشد و بر اساس پیشینه نظری و مرور نوشتار عامل‌ها و متغیرهایی که متناسب با هنجارها و مقوله‌های مطرح در ایران نیست، به نحو مناسب مورد هنجاریابی قرار گرفت و در پرسشنامه PREQ تغییرهایی ایجاد گردید و مواردی از سایر ابزارها بدان افزوده شد تا پرسشنامه طراحی شده متناسب با شرایط تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایران باشد و بتواند جنبه های مختلف تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایران را تحت پوشش قرار دهد.

جامعه آماری این پژوهش را آن دسته از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل می‌دهد که از تاریخ ۸۶/۷/۱ لغایت ۸۷/۳/۳۱ طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال) آنها در شورای

---
[1] The Graduate Careers Council of Australia
[2] Australian Council for Educational Research

آموزشی دانشکده به تصویب رسیده است و یا از پایان نامه خود دفاع کرده‌اند. بنابراین می‌توان جامعه مورد بررسی این پژوهش را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. دانشجویانی که از تاریخ ۸۶/۷/۱ تا ۸۷/۳/۳۱ از پایان‌نامه خود دفاع کرده‌اند. این دسته از دانشجویان شامل ۳۶ فارغ التحصیل مقطع دکتری و ۱۱۷ فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های مختلف تحصیلی، می‌شود از پرسشنامه‌هایی که برای کل جامعه ارسال شد تعداد ۱۰۴ مورد (معادل ۶۸٪ جامعه آماری)، بازگشت داده شد.

۲. دانشجویانی که تا تاریخ ۸۷/۳/۳۱ طرح مقدماتی پایان‌نامه آنها در شورای آموزشی دانشکده به تصویب رسیده است و در حال انجام امور مربوط به پایان‌نامه خود می‌باشند اما تا آن تاریخ (۸۷/۳/۳۱) موفق به دفاع از پایان‌نامه خود نشده‌اند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از اداره آموزش دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی، این بخش از جامعه آماری، شامل ۸۶۱ نفر دانشجوی تحصیلات تکمیلی بود. به دلیل گستردگی این بخش از جامعه آماری، حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و جرسی[1] تعداد ۲۷۰ نفر تعیین گردید. پس از تعیین حجم نمونه از شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای[2] استفاده شد. همچنین به منظور بالا بردن اعتبار پژوهش، تعداد بیشتری از پرسشنامه‌ها توزیع شد تا در صورت بازگردانده نشدن برخی از آنها حجم نمونه (۲۷۰ نفر) کاهش نیابد. به این ترتیب، تعداد ۳۱۲ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

یافته‌های پژوهش

با استفاده از داده‌های گردآوری شده فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند که توضیح آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱. بین عامل‌های تبیین‌کننده تجربه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد، رابطه معناداری وجود دارد.

در پرسشنامه پژوهش، عامل‌های تبیین‌کننده تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در قالب ۷ عامل اصلی به این شرح آمده است:

۱- فرایند تصویب طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال)، ۲- استاد راهنما، ۳- زیرساخت‌ها و

[1] Morgan and Kerjcie
[2] Stratified Random Sample

امکانات دانشگاه[1]، ۴- ارائه شرایط و زمینه‌هـــای رشد فکری[2]، ۵- گسترش مهارت‌ها، ۶- شفاف سازی معیـارها و هدف‌ها و ۷- آزمون پایان نامه.

به منظور تحلیل داده‌ها از جدول دو طرفه همبستگی استفاده شده و با استفاده از آزمون پیرسون[3] به بررسی رابطه بین این عامل‌های هفت‌گانه پـرداخته می‌شود و نتایج اعلام می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱. جدول دو طرفه آزمون پیرسون به منـظور سنجش وجود رابطه بین عامل‌های تبیین‌کننده تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد

		فرایند تصویب	استاد راهنما	زیرساخت‌ها	رشد فکری	گسترش مهارت‌ها	شفاف‌سازی معیارها	آزمون پایان‌نامه
فرایند تصویب	ضریب همبستگی پیرسون	۱						
	سطح معناداری(P-value)							
	N							
استاد راهنما	ضریب همبستگی پیرسون	/۳۸۶	۱					
	سطح معناداری(P-value)	/۰۰۰						
	N	۴۱۶						
زیرساخت‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	/۳۸۰	/۳۰۹	۱				
	سطح معناداری(P-	/۰۰۰	/۰۰۰					

[1] به تمامی شرایط فیزیکی، مکانی، مالی، منابع اطلاعاتی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز برای انجام یک پژوهش گفته می‌شود. مانند ابزارها و لوازم، کارگاه و یا آزمایشگاه، حمایت مالی، امکانات و منابع رایانه‌ای و امکانات کتابخانه‌ای و جز آن

[2] فراهم‌آوری فرصت‌هایی برای تبادل نظر با سایر دانشجویان پژوهشگر، تشویق دانشجویان، ایجاد روحیه همدلی بین دانشجویان و استادان، تشکیل همایش‌هایی برای دانشجویان درگیر با پژوهش، برخی از مقوله‌های ارائه شرایط و زمینه‌هـــای رشد فکری می‌باشد.

[3] Pearson Correlation

	value)							
	N	۴۱۶	۴۱۶					
رشد فکری	ضریب همبستگی پیرسون	/۴۳۷	/۳۸۷	/۵۸۲				
	سطح معناداری(P-value)	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	۱			
	N	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶				
گسترش مهارتها	ضریب همبستگی پیرسون	/۲۵۷	/۳۰۳	/۳۲۲	/۳۹۳			
	سطح معناداری(P-value)	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	۱		
	N	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶			
شفافسازی معیارها	ضریب همبستگی پیرسون	/۳۰۹	/۲۷۰	/۳۴۷	/۴۰۰	/۴۹۹		
	سطح معناداری(P-value)	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	۱	
	N	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶		
آزمون پایان‌نامه	ضریب همبستگی پیرسون	/۴۳۱	/۴۸۷	/۲۵۱	/۴۵۷	/۲۹۵	/۳۱۲	
	سطح معناداری(P-value)	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۵	/۰۰۰	/۰۰۱	/۰۰۰	۱
	N	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	

با توجه به جدول ۱ و ضریب همبستگی محاسبه شده برای هر مورد، ملاحظه می‌شود که بین تمام عامل‌های تبیین‌کننده تجربه‌پژوهشی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین میزان همبستگی (۰/۵۸۲) بین متغیر "زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه" و متغیر "ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری" می‌باشد و کمترین میزان همبستگی (۰/۲۵۱) بین متغیر" آزمون پایان‌نامه" و متغیر" زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه" می‌باشد. از سوی دیگر بین تمامی عامل‌ها رابطه مثبت وجود دارد و این به آن معنا است که افزایش میزان رضایت از یکی از عامل‌ها، سبب افزایش سطح رضایت سایر عامل‌ها

می‌گردد و این عامل‌ها با یکدیگر تبیین کننده تجربه پژوهشی دانشجویان هستند.

میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد از عامل‌های مختلف تجربه‌های پژوهشی متفاوت است.

به منظور بررسی این فرضیه میانگین پاسخ های داده شده توسط پاسخگویان در قالب جدول ۲ ارائه می گردد.

جدول ۲. میانگین نظرات پاسخگویان در مورد متغیرهای مرتبط با عامل رضایت کلی آنها (n=۱۴۶)

متغیرهای مطرح شده پیرامون رضایت کلی	میزان رضایت از فرایند تصویب طرح مقدماتی پایان نامه(عامل ۱)	میزان رضـایت از استـاد راهنـــما (عامل ۲)	میزان رضایت از زیرساختها و امکانات دانشگاه فردوسی(عامل۳)	میزان رضایت از شرایط و زمینه های فکری ارائه شده توسط (عامل ۴).	میزان رضایت از کسب و گسترش مهارتها (عامل ۵)	میزان رضایت از شفاف سازی معیارها و ضوابط لازم برای نگارش.(عامل ۶)	میزان رضایت از فرایند آزمون پایان‌نامه(عامل۷)	میزان رضایت کلی
میانگین	۳/۵۸	۳/۵۸	۳/۰۴	۲/۳۸	۳/۵۴	۳/۲۰	۳/۳۳	۳/۲۳

همانگونه که یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد، بیشترین میزان رضایت پاسخگویان از متغیرهای "فرایند تصویب طرح مقدماتی پایان نامه" و "استاد راهنما" با میانگین ۳/۵۸ می‌باشد و پس از آن متغیر "کسب و گسترش مهارت‌ها" با میانگین ۳/۵۴ دارای بیشترین میزان رضایت است. اما کمترین میزان رضایت در ارتباط با متغیر "شرایط و زمینه‌های رشد فکری ارائه شده توسط دانشکده و گروه آموزشی" با میانگین ۲/۳۸ می‌باشد. سایر متغیرها نیز با میزان رضایت نسبی روبرو هستند. همچنین رضایت کلی دارای میانگینی بالاتر از ۳ می‌باشد (۳/۲۳) که نشان دهنده رضایت نسبی دانشجویان از عامل‌های مختلف تبیین-کننده تجربه پژوهشی می‌باشد.

فرضیه ۲. متغیرهایی مانند جنسیت و حوزه آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر میزان رضایت دانشجویان از تجربه‌های پژوهشی اثرگذار است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان مرد دارای میانگین رضایت ۳/۰۷۷۷ می‌باشند؛ در حالی که دانشجویان زن از تجربه پژوهشی خود رضایت بیشتری دارند و دارای میانگین ۳/۲۲۴۷ می‌باشند. به منظور تعیین تفاوت میزان رضایت دانشجویان زن و مرد از آزمون t برای نمونه‌های مستقل[1] استفاده گردیده که در جدول ۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. آزمون معنادار بودن تفاوت مشاهده شده در میانگین نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی به تفکیک جنسیت، نسبت به میزان رضایت کلی از تجربه پژوهشی (n=۴۱۶)

متغیر	آماره‌ها	آزمون برابری واریانس ها		درجه آزادی	t	P-value	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای وجود اختلاف	
		F	P-value					حد بالا	حد پایین
رضایت کلی	قبول فرض برابری واریانس ها	۰/۳۷۱	۰/۵۴۳	۴۱۴	−۲/۴۶۳	۰/۰۱۴	−۰/۱۴۷۰۶	−۰/۰۲۹۷۱	−۰/۲۶۴۴۲
	رد فرض برابری واریانس‌ها			۴۰۷/۸۷۶	−۲/۴۶۹	۰/۰۱۴	−۰/۱۴۷۰۶	−۰/۰۲۹۹۹	−۰/۲۶۴۱۳

یافته های واریانس‌ها نشان می‌دهد که مقدار P به دست آمده در مورد "رضایت کلی" برابر با ۰/۵۴۳ و بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین، فرض برابری واریانس‌ها در این مورد پذیرفته می‌شود. به همین دلیل از نظر آماری، اختلاف معناداری بین میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر حسب جنسیت وجود دارد.

متغیر بعدی این فرضیه "حوزه آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی" می‌باشد که بدان پرداخته شده است. به منظور پاسخ به این فرضیه، نخست ۴ دسته‌بندی[2] برای حوزه‌های آموزشی، شامل حوزه‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و کشاورزی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که دانشجویان حوزه‌های کشاورزی (۳/۲۰۲)، علوم پایه (۳/۱۹۵)، علوم انسانی (۳/۱۷۶) و فنی و مهندسی (۲/۹۶۶)به

---

[1] Independent Samples Test

[2] هرچند به طور معمول حوزه های آموزشی به ۵ دسته تقسیم می گردد اما به دلیل عدم وجود رشته‌های پزشکی (حوزه پزشکی) در دانشگاه فردوسی و پژوهش حاضر، این دسته‌بندی شامل ۴ حوزه بالا گردید

ترتیب دارای بیشترین میزان رضایت از تجربه پژوهشی خود می‌باشند. همانطورکه مشاهده می‌شود، در بین حوزه‌های آموزشی تنها حوزه مهندسی دارای میانگینی (۲/۹۶۶) کمتر از حد متوسط است و سایر حوزه‌ها دارای میانگین بالای ۳ هستند. در ادامه با فرض نرمال بودن داده‌ها و با استفاده از آزمون ANOVA[1] به مقایسه میانگین میزان‌رضایت‌دانشجویان تحصیلات تکمیلی حوزه‌های مختلف پرداخته‌شده‌است(جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آزمون ANOVA درباره تفاوتِ میانگین میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر حسب حوزه تحصیل آنها (n=۴۱۶)

	منبع تغییرات	**درجه آزادی**	**مربع میانگین**	**F**	**P-value با سطح اطمینان ٪۹۵**
حوزه‌های آموزشی	بین گروه ها	۳	۱/۱۵۹	۳/۱۵۵	/۰۲۵
	درون گروه ها	۴۱۲	/۳۶۷		
	جمع	۴۱۵			

با توجه به مقدار P به دست آمده که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، تفاوت میانگین بین حوزه‌های مختلف آموزشی در دانشگاه فردوسی مشهد معنادار است. به عبارتی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بسته به حوزه آموزشی، میزان رضایت متفاوتی از تجربه پژوهشی خود دارند.

فرضیه ۳. مشکل‌های موجود در تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد برحسب دانشکده محل تحصیل و حوزه آموزشی متفاوت است.

این فرضیه در بردارنده ۹ مشکل پژوهشی دانشجویان در نگارش پایان نامه است و از دو بخش تشکیل شده است: نخست مشکل‌های موجود بر حسب دانشکده و دوم بر حسب حوزه‌های آموزشی. نتیجه انجام آزمون ANOVA پیرامون وجود تفاوت در میانگین مشکل‌های مختلف دانشجویان در دانشکده‌های مختلف در جدول زیر ارائه شده است.

[1] Analysis of Varriance

جدول ۵. نتایج آزمون ANOVA درباره تفاوت میانگین نظرات پاسخگویان، پیرامون مشکل‌های پژوهشی بر حسب دانشکده های مختلف(n=۴۱۶)

مشکل مورد بررسی بر حسب دانشکده‌های مختلف	منبع تغییرات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	P-value با سطح اطمینان ۹۵٪
انتخاب موضوع	بین گروه ها	۹	۳۹/۲۳۴	۲/۹۴۱	/۰۰۲
	درون گروه ها	۴۰۶	۶۰۱/۸۹۸		
	جمع	۴۱۵	۶۴۱/۱۳۲		
نگارش طرح مقدماتی پایان‌نامه	بین گروه ها	۹	۳۹/۲۳۴	۲/۹۴۱	/۰۰۲
	درون گروه ها	۴۰۶	۶۰۱/۸۹۸		
	جمع	۴۱۵	۶۴۱/۱۳۲		
دسترسی به منابع اطلاعاتی مورد نیاز برای موضوع پژوهش	بین گروه ها	۹	۱/۹۸۷	۱/۶۸۹	/۰۹۰
	درون گروه ها	۴۰۴	۱/۱۷۷		
	جمع	۴۱۳			
گردآوری داده‌ها در قالب طرح پژوهش	بین گروه ها	۹	۱/۹۷۳	۱/۴۲۷	/۱۷۵
	درون گروه ها	۳۶۷	۱/۳۸۲		
	جمع	۳۷۶			
تحلیل و توصیف آماری داده‌ها	بین گروه ها	۹	۱/۶۷۷	۱/۳۲۲	/۲۲۴
	درون گروه ها	۳۶۹	۱/۲۶۹		
	جمع	۳۷۸			
نگارش پایان نامه	بین گروه ها	۹	۲/۴۲۵	۲/۲۷۶	/۰۱۷
	درون گروه ها	۳۸۹	۱/۰۶۶		
	جمع	۳۹۸			
نداشتن وقت کافی برای پرداختن به پایان نامه	بین گروه ها	۹	۱/۵۶۰	۱/۱۱۵	/۳۵۱
	درون گروه ها	۳۹۰	۱/۳۹۹		
	جمع	۳۹۹			
نحوه ارتباط با استاد راهنما	بین گروه ها	۹	۴/۰۴۹	۲/۵۴۸	/۰۰۷
	درون گروه ها	۴۰۱	۱/۵۸۹		
	جمع	۴۱۰			
روند اداری دانشگاه، دانشکده و گروه آموزشی	بین گروه ها	۹	۲/۶۸۳	۱/۶۱۶	/۱۰۸
	درون گروه ها	۳۹۳	۱/۶۶۰		
	جمع	۴۰۲			

همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد با توجه به مقدارهای P به دست آمده، میانگین نظر دانشجویان دانشکده‌های مختلف در مشکل‌های "انتخاب موضوع"، "نگارش طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال)"، "نگارش پایان‌نامه (فصل بندی ها، ارجاع‌ها و جز آن) و "نحوه ارتباط با استاد راهنما"، دارای تفاوت معناداری است. اما در مورد سایر مشکل‌ها تفاوت معنادار نمی‌باشد. به عبارت دیگر، دانشجویان در سایر موارد، مشکل‌های مشابهی دارند. مشکل‌های دانشجویان بر حسب حوزه‌های مختلف آموزشی نیز مورد بررسی قرار گرفت و میانگین‌های به دست آمده با استفاده از آزمون ANOVA با یکدیگر مقایسه شد که یافته‌های آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتیجه آزمون ANOVA درباره تفاوت در میانگین نظرات پاسخگویان، پیرامون مشکل‌های پژوهشی، بر حسب حوزه آموزشی (n=۴۱۶)

مشکل مورد بررسی بر حسب حوزه‌های مختلف آموزشی	منبع تغییرات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	P-value با سطح اطمینان ۹۵٪
انتخاب موضوع	بین گروه ها	۳	۵/۶۰۸	۳/۷۰۱	/۰۱۲
	درون گروه ها	۴۱۲	۱/۵۱۵		
	جمع	۴۱۵			
نگارش طرح مقدماتی پایان‌نامه	بین گروه ها	۳	۵/۳۱۶	۵/۲۳۰	/۰۰۲
	درون گروه ها	۴۱۱	۱/۰۲۲		
	جمع	۴۱۴			
دسترسی به منابع اطلاعاتی مورد نیاز برای موضوع پژوهش	بین گروه ها	۳	۱/۵۵۰	۱/۳۰۰	/۲۷۴
	درون گروه ها	۴۱۰	۱/۱۹۲		
	جمع	۴۱۳			
گردآوری داده ها در قالب طرح پژوهش	بین گروه ها	۳	۳/۴۵۸	۲/۵۰۶	/۰۵۹
	درون گروه ها	۳۷۳	۱/۳۸۰		
	جمع	۳۷۶			
تحلیل و توصیف آماری داده‌ها	بین گروه ها	۳	۱/۰۱۸	/۷۹۵	/۴۹۷
	درون گروه ها	۳۷۵	۱/۲۸۱		
	جمع	۳۷۸			
نگارش پایان‌نامه	بین گروه ها	۳	۲/۲۷۷	۲/۰۹۴	/۱۰۱
	درون گروه ها	۳۹۵	۱/۰۸۸		
	جمع	۳۹۸			
نداشتن وقت کافی برای پرداختن به	بین گروه ها	۳	/۱۶۸	/۱۱۹	/۹۴۹

	درون گروه ها	۳۹۶	۱/۴۱۲		
	جمع	۳۹۹			
نحوه ارتباط با استاد راهنما	بین گروه ها	۳	۹/۴۸۴	۵/۹۸۴	/۰۰۱
	درون گروه ها	۴۰۷	۱/۵۸۵		
	جمع	۴۱۰			
روند اداری دانشگاه، دانشکده و گروه آموزشی	بین گروه ها	۳	/۹۸۶	/۵۸۴	/۶۲۶
	درون گروه ها	۳۹۹	۱/۶۸۸		
	جمع	۴۰۲			

با توجه به داده‌های جدول ۶، کوچکتر بودن مقدار P به دست آمده پیرامون مشکل‌های "انتخاب موضوع"، "نگارش طرح مقدماتی پایان نامه(پروپوزال)" و "نحوه ارتباط با استاد راهنما"، نشان‌گر وجود تفاوت معنادار بین این مشکل‌ها در حوزه‌های مختلف آموزشی است. در سایر مشکل‌های مطرح شده، تفاوت معنادار نمی‌باشد.

فرضیه ۴. بین میزان رضایت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه فردوسی مشهد از عامل‌های تجربه پژوهشی تفاوت معناداری وجود ندارد.

در ابتدا، جهت بررسی میزان رضایت کلی دو گروه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، به بیان تعداد، میانگین و انحراف استاندارد حاصل از پاسخ ها پرداخته می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷. شاخص های آماری میزان رضایت کلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی از تجربه پژوهشی بر حسب مقطع تحصیلی (n=۴۱۶)

	گروه ها	**تعداد**	**میانگین**	**انحراف استاندارد**
رضایت کلی	**کارشناسی ارشد**	۳۱۷	۳/۱۱۲۸	۰/۶۰۷۹۹
	دکتری	۹۸	۳/۲۵۲۹	۰/۶۱۳۳۴

اطلاعات آورده شده در جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین میزان رضایت دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد نسبت به دانشجویان دکتری کمتر می‌باشد. به عبارتی دانشجویان مقطع دکتری از تجربه پژوهشی خود رضایت بیشتری دارند.

برای پاسخگویی به فرضیه چهارم پژوهش، با توجه به فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها در جامعه، از آزمون t (دو نمونه مستقل)، استفاده شده است (جدول ۸).

جدول ۸. آزمون معنادار بودن تفاوت مشاهده شده در میانگین نظرات پاسخگویان به تفکیک مقطع تحصیلی، نسبت به میزان رضایت کلی از عامل‌های تجربه پژوهشی (n=۴۱۶)

متغیر	آماره‌ها	آزمون برابری واریانس ها		درجه آزادی	t	P-value	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای وجود اختلاف	
		F	P-value					حد بالا	حد پایین
رضایت کلی	قبول فرض برابری واریانس ها	۰/۰۰۱	۰/۹۷۷	۴۱۳	۱/۹۸۹-	۰/۰۴۷	۰/۱۴۰۰۶-	۰/۰۰۱۶۴-	۰/۰۰۱۶۴-
	رد فرض برابری واریانس ها			۱۶۰/۳۴۲	۱/۹۸۰-	۰/۰۴۹	۰/۱۴۰۰۶-	۰/۰۰۰۳۵-	۰/۲۷۹۷۷-

نتیجه آزمون با فرض برابری واریانس‌ها نشان می‌دهد که از نظر آماری اختلاف معناداری بین میزان رضایت این دو گروه وجود دارد. به این صورت که دانشجویان مقطع دکترای دانشگاه فردوسی، نسبت به دانشجویان کارشناسی ارشد دارای میزان رضایت بیشتری از عامل‌های تجربه پژوهشی هستند.

فرضیه ۵. رتبه علمی استاد راهنما در رضایت دانشجو از عملکرد او اثرگذار است.

استاد راهنما نقش مهمی در فرایند تجربه پژوهشی دانشجویان ایفا می‌کند. از آنجایی که استادان راهنما دارای رتبه‌های علمی متفاوتی هستند، به بررسی میزان تأثیر این رتبه علمی بر میزان رضایت دانشجویان تحت راهنمایی استادان، پرداخته شده است. نتیجه انجام آزمون ANOVA بر روی میانگین‌های به دست آمده از میزان رضایت از استادان با مرتبه‌های علمی استادیار(۳/۱۰)، دانشیار(۳/۱۵) و استاد (۳/۱۹) در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۹. نتیجه آزمون سنجش تأثیر رتبه علمی استاد راهنما بر میزان رضایت دانشجویان از عملکرد استاد راهنما، آزمون ANOVA (n=۴۱۶)

	منبع تغییرات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	P-value با سطح اطمینان ۹۵٪
مرتبه علمی استاد راهنما	بین گروه ها	۲	۰/۲۹۶	۰/۷۸۷	/۴۵۶
	درون گروه ها	۴۰۵	۰/۳۷۶		
	جمع	۴۰۷			

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار P به دست آمده از ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ مرتبه علمی استاد راهنما بر میزان رضایت دانشجویان از عملکرد او اثرگذار نیست.

فرضیه ۶. میزان رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی بر اساس چگونگی انتخاب موضوع پژوهش متفاوت است.

فرد با انتخاب درست و اصولی موضوع پژوهش که اولین مرحله در انجام آن محسوب می‌شود، می تواندگام نخست را محکم برداشته و با ثبات قدم بیشتری پای در عرصه پژوهش گذارد. در پژوهش حاضر سعی شد تا شیوه‌های مختلف انتخاب موضوع پژوهش، مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین در پرسشنامه پژوهش ۶ شیوه انتخاب موضوع، مطرح گردید. سپس میانگین رضایت کلی افراد در هر شیوه انتخاب موضوع، به این شرح مشخص گردید: انتخاب موضوع توسط دانشجو(۳/۰۴)، پیشنهاد موضوع توسط گروه آموزشی(۲/۷۹)، پیشنهاد موضوع توسط استاد راهنما (۳/۱۸)، ارائه موضوع توسط افرادی خارج از دانشگاه (۳/۲۱)، شکل گرفتن موضوع با تبادل آراء بین دانشجو و استاد(۳/۲۱) و سایر موارد (۳/۱۵). نتیجه به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در بررسی تأثیر تفاوت این شیوه‌های انتخاب موضوع در میانگین رضایت کلی افراد در جدول ۱۲ ارائه شده است.

جدول ۱۰. نتیجه آزمون سنجش معنادار بودن تفاوت در میانگین رضایت کلی پاسخگویان از تجربه پژوهشی و "چگونگی انتخاب موضوع" (n=۴۱۶)

	منبع تغییرات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	P-value با سطح اطمینان ۹۵٪
چگونگی انتخاب موضوع	**بین گروه ها**	۵	۰/۵۴۰	۱/۴۵۶	۰/۲۰۳
	درون گروه ها	۴۱۰	۰/۳۷۱		
	جمع	۴۱۵			

همانطور که مشاهده می‌شود، با درجه آزادی ۵ (n-۱) و در سطح اطمینان ۹۵٪، با توجه به اینکه مقدار P به دست آمده از آزمون (۰/۲۰۳) بزرگتر از ۰/۰۵ است، بنابراین میزان رضایت کلی دانشجویان از تجربه پژوهشی در شیوه‌های مختلف انتخاب موضوع، تفاوت وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که تنها راه نجات پژوهش کشور و تنها راهبرد اساسی در توسعه علمی توجه به اصل حمایت از جوانه‌های رشدپذیر و ایجاد جزیره‌های کیفیت است (منصوری، ۱۳۸۳)، می‌بایست به قشر دانشجو توجه کرد و در این بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل ماهیت آموزشی خود نیازمند توجه بیشتری هستند؛ چرا که نگارش و استخراج تنها یک مقاله از هر پایان نامه کارشناسی ارشد و دو مقاله از هر پایان نامه دکتری سبب می‌شود تا ایران جزء ده کشور برتر تولید کننده علم در سطح جهان، قرار گیرد (موسوی، فضل الله، ۱۳۸۲).

در پژوهش حاضر سعی گردید تا عامل‌های مختلف موجود در فرایند تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد و موانع و مشکل‌های موجود بر سر راه آنها مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها نشان داد که بین تمام عامل‌های تبیین کننده تجربه پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد (جدول ۱). از سوی دیگر بیشترین میزان همبستگی (۰/۵۸۲) بین متغیر "زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه" و متغیر "ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری" می‌باشد. این یافته پژوهش بدین معنا است که این دو عامل با یکدیگر رابطه قوی دارند. به عبارت دیگر افزایش امکانات پژوهشی همانند امکانات مالی، مکانی، منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌ای دانشگاه فردوسی مشهد سبب می‌شود تا زمینه‌های لازم برای تبادل نظر بین

دانشجویان پژوهشگر، تشویق دانشجویان، ایجاد روحیه همدلی بین دانشجویان و استادان فراهم آید و در نتیجه سطح موافقت از عامل "ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری" افزایش یابد.

پارک و دیگران (Park et al., 2007) نیز در پژوهش خود به بررسی وجود رابطه بین این عامل‌ها پرداخته‌اند. آنها نیز به این نتیجه رسیده‌اند که بین عامل‌های تبیین‌کننده تجربه پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نشان داده شد که میزان رضایت دانشجویان از عامل‌های هفت‌گانه تبیین‌کننده تجربه پژوهشی متفاوت است (جدول ۲). آنچه که از این بخش بر می‌آید این است که دانشجویان بر حسب وضعیت و شرایط خاص خود و با توجه به عامل‌هایی که با آن روبرو هستند، سطح رضایت متفاوتی از تجربه پژوهشی خود دارند و بسته به وضعیت پژوهشی خود برداشت متفاوتی از عامل‌ها دارند که این امر موجب به وجود آمدن چنین تفاوتی شده است.

بررسی تأثیر جنسیت دانشجویان بر میزان رضایت از تجربه پژوهشی آنها نیز نشان داد که زنان نسبت به مردان دارای میزان رضایت بیشتری از تجربه پژوهشی خود می باشند (جدول ۳). البته کارداش (Kardash, 2000)، و عبدالحافظ (Abdelhafez, 2007)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که تفاوت معناداری بین مردان و زنان در تجربه پژوهشی وجود ندارد. لوپاتو (Lopatto, 2004) نیز دریافت که مردان و زنان به میزان یکسانی از مزیت‌های تجربه پژوهشی برخوردار بوده‌اند. شاید بتوان تفاوت‌های شخصیتی بین زنان و مردان و توجه بیشتر به جزئیات، دقت در انجام بهتر امور و پایین بودن سطح انتظارات برخی از زنان نسبت به مردان را سبب رضایت بیشتر زنان در این پژوهش دانست. اگر چه نباید شرایط و فرهنگ جامعه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر و پژوهش‌های خارجی را نادیده گرفت.

همچنین مشخص گردید که بین میانگین رضایت حوزه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۴). از سوی دیگر مشخص گردید که دانشجویان حوزه فنی و مهندسی کمترین میزان رضایت را از عامل‌های تبیین‌کننده تجربه پژوهشی دارند. شاید بتوان دلیل این امر را گستردگی موضوع‌ها، روزآمدی سریع، پیچیدگی مباحث، نیاز بیشتر به امکانات فنی و فضای کارگاهی و جز آن در حوزه فنی و مهندسی دانست. از طرف دیگر نشان داده شد که میان برخی از مشکل‌های پژوهشی دانشجویان بر حسب دانشکده‌ها و حوزه‌های مختلف آموزشی تفاوت وجود دارد (جدول‌های ۵ و ۶).

یافته‌ها همچنین نشان داد که دانشجویان دکتری تخصصی نسبت به دانشجویان کارشناسی ارشد دارای رضایت کلی بیشتری در تجربه پژوهشی خود می‌باشند (جدول ۸). دلیل چنین رضایتی این است که

دانشجویان دکتری به نسبت بیش از دانشجویان کارشناسی ارشد به پژوهش نظام‌مند پرداخته‌اند و از این رو با مشکل‌ها و شرایط پژوهش آشنایی بیشتری دارند. علاوه بر آن دانشجویان دکتری درک عمیق‌تری نسبت به مسائل مرتبط با پژوهش در نظام دانشگاهی دارند و با شناخت بیشتری گام در این عرصه می‌گذارند و سطح انتظارات و خواسته‌های خود را بر اساس این درک، تعیین می‌کنند.

همچنین مشخص گردید که مرتبه علمی استاد راهنما و چگونگی انتخاب موضوع بر میزان رضایت کلی دانشجویان از تجربه پژوهشی اثرگذار نیست (جدول‌های ۱۰ و ۱۱). یافته‌های پژوهش مابروک و پیترز (Mabrouk & Peters, 2000) نشان داد که به نظر دانشجویان، ارزشمندترین ویژگی‌های استاد راهنما، تسلط موضوعی در رابطه با پژوهش، علاقه‌مندی، حضور و شکیبایی استاد راهنما است. به عبارتی به نظر دانشجویان، مرتبه علمی استاد راهنما نسبت به سایر عامل‌ها، تأثیر چندانی در روند پژوهش ندارد. حتی فعلی و دیگران (۱۳۸۵) به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که استادان راهنمای آنها دارای مرتبه استادیاری است، نسبت به سایر دانشجویان به نوعی دارای رضایت بیشتری هستند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز با پژوهش نیلی و همکاران (۱۳۸۳)، مشابه می‌باشد اما با آنچه فعلی و همکاران (۱۳۸۵) به آن دست یافتند، متفاوت است.

کانتر(Kanter, 2006) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که هرگاه دانشجویان خود موضوع پژوهش را انتخاب کرده باشند، علاقه بیشتری برای نگارش نشان می‌دهند؛ این یافته با پژوهش حاضر هماهنگی دارد چرا که میانگین میزان رضایت این دسته از دانشجویان به نسبت بالا بوده است.

با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان داشت که به طور کلی، رضایتی نسبی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد از عامل‌های تبیین‌کننده تجربه پژوهشی وجود دارد. "امکانات و زیرساخت‌های دانشگاه" و "ارائه زمینه‌های رشد فکری" دو عاملی هستند که دارای کمترین میزان رضایت هستند که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و با در نظر گرفتن بودجه و امکانات بیشتر و فراهم آوردن فضای شکوفایی علمی، نسبت به رفع این مشکل اقدام شود.

در بین حوزه‌ها و دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد، دانشجویان فنی و مهندسی دارای بیشترین میزان نارضایتی هستند که باید در پژوهشی جدا به مسائل و مشکل‌های این گروه از دانشجویان پرداخته شود و راهکارهای لازم تعیین گردد. به هر صورت باید این نکته را در نظر داشت که در برنامه-

ریزی‌های مدیریتی برای دانشجویان باید به دانشکده و نوع حوزه‌های آموزشی نیز توجه شود. چرا که تفاوت در ماهیت حوزه‌های مختلف آموزشی سبب ایجاد تفاوت در نیازهای دانشجویان می‌گردد.

استادان راهنما در دانشگاه می‌توانند همراه با بالا بردن توانایی‌های علمی خود، در راستای برقرای ارتباط و تعامل سازنده‌تر با دانشجویان گام بردارند تا در فرایند انجام کار پژوهشی، درک متقابل درستی از یکدیگر داشته باشند. تغییر سیستم ارزشیابی سنتی و تکیه بر معیارهای نوین سبب می‌شود تا برخی از کاستی‌های این مقوله از بین رفته و یا کاهش یابد. به طور کلی نظام سنتی آموزش دانشگاهی در ایران نیاز به بازنگری در بسیاری از مولفه‌های خود دارد و برای فراهم کردن محیطی پویا نیازمند تغییر و تکوین جنبه‌های مختلف خود می‌باشد. دوری از کمی‌گرایی یکی از این عامل‌ها است. افزایش بودجه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها نیز از دیگر عامل‌هایی است که باید از سوی برنامه‌ریزان مورد توجه قرار گیرد.

کتابنامه

حری، عباس، شاهبداغی، اعظم (۱۳۸۵). *شیوه های استناد در نگارش های علمی: رهنمودهای بین المللی*. تهران: دانشگاه تهران.

حسرتی، مصطفی (۱۳۸۴). نگارش دانشگاهی در دانشگاه های ایران: حلقه گمشده آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، (۳۵ و ۳۶)، ۱۰۳ – ۱۳۸.

رفاهی، مهتاب، رفائی، الهه، ثابت و دیگران (۱۳۷۹). کیفیت پایان‌نامه و چگونگی اجرای آن: نظر سنجی از کارورزان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان – مرداد ماه ۱۳۷۹. *پژوهش در علوم پزشکی*، سال ششم، (۱)، ۱-۶.

زمانی، عشرت و امین عظیمی (۱۳۸۳). پژوهشی در زمینه مشارکت دانشجویان در تولید دانش. در: مجموعه *مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار*، ۶ و ۷ بهمن ۱۳۸۳. تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (ج ۲)، ۳۰۹- ۳۲۶.

صادقی، محمد (۱۳۷۶). *بررسی عوامل مؤثر در ارتقای کیفی تحقیقات دانشجویی در مقطع تحصیلات تکمیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

فعلی، سعید، پزشکی راد، غلامرضا، چیذری، محمد (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی*، (۴۲)، ۹۴– ۱۰۶.

فیاضی، عمادالدین (۱۳۸۰، ۲ دی). اهمیت پژوهش، موانع و راهکارها. *اطلاعات*، ۸.

منصوری، رضا (۱۳۸۳). شناخت عوامل رشد پژوهش و نه موانع آن: یک چرخش بینش. *رهیافت*، (۳۲)، ۲۹ - ۳۶.

موسوی، فضل الله (۱۳۸۲). بررسی امکان ارتقای ایران به ده کشور اول تولیدکننده علم در جهان. *رهیافت*، (۳۰)، ۷۹- ۹۳.

نیلی، محمدرضا، نصر، احمدرضا و اکبری، نعمت الله (۱۳۸۳). بررسی کیفیت راهنمایی استادان راهنمای پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان. در مجموعه *مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار*. ۶ و ۷ بهمن ۱۳۸۳. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (ج. ۲)، ۴۳۳- ۴۵۲.

Abdelhafez, A. M. M. (2007). Postgraduate Research Students' Knowledge and Attitudes Towards Good Supervisory Practice at the University of Exeter. Retrieved Retrieved November 14, 2007 from http://www.eric.ed.gov/ERICDocs/data/ericdocs2sql/content_storage_01/000019b/80/33/2e/bb.pdf.

Entwistle, N (2002). Research-Based University Teaching: What is It and Could There be an Agreed Basis for It?. *The Psychology of Educatiion Review*, 26(2), 3-9.

Hunter, A. B., Laursen, S. L. & Seymour, E. (2006). Becoming a Scientist: The Role of Undergraduate Research in Students' Cognitive, Personal, and Professional Development. Retrieved December 11, 2007 from www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/recordDetail?accno.

Kanter, S. B. (2006). *Embodying Research: A Study of Student Engagement in Research Writing*. Doctoral thesis, School of Graduate Studies and Research, Indiana University of Pennsylvania, Pennsylvania.

Kardash, C. M. (2000). Evaluation of an Undergraduate Research Experience: Perceptions of Undergraduate Interns and their Faculty Mentors. *Journal of Educational Psychology*, 92(1), 191-201.

Mabrouk, P. A. & Peters, K. (2000). Student Perspectives on Undergraduate Research (UR) Experiences in Chemistry and Biology. Retrieved November 7, 2007 from http://www.cur.org/Quarterly/ sept00/mabrouk.pdf_.

Merkel, C. A. (2001). Undergraduate Research at Six Research Universities: A Pilot Study for the Association of American Universities. Retrieved November 8, 2007 from http://ugr.tamu.edu/ opportunities-1/faculty/undergraduateresearch.pdf.

Park, C. Hanbury, A, Kulej, M. & Harvey, L. (2007). Postgraduate Research Experience Survey. Retrieved August 12, 2009 from http://www.heacademy.ac.uk/assets/York/documents/ourwork/research/surveys/pres/PRES.pdf.

Seymour, E., Hunter, A. B., Laursen, S. L. & Deantion, T. (2004). Establishing the Benefits of Research Experiences for Undergraduates in the Sciences: First Findings From a Three-Year Study. *Science Education*, 88(4), 493-534.

Stephanie, B. D. (1990). *A Qualitative Exploration into the Dissertation Research Experience in Doctoral Nursing Education*. Doctoral thesis, Columbia University, Columbia. Retrieved November 8, 2007 from www.proquest.com.